

شبکهٔ نمایش خانگی در سریال های جدید به سراغ اقتباس از رمان ها رفته است

سودای اقتباس



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

کارشناسان حوزه کتاب، پژوهشگران و منتقدان سینما بارها به این نکته اشاره کرده‌اند که سینما و تلویزیون ایران تشنه ارتزاق و وام‌گیری از ادبیات داستانی ما هستند و فیلمسازان آن‌طور که شایسته است از این گنجینه بهره‌چندانی نمی‌برند. به‌طوری‌که ضعف جدی و اساسی کارهای نمایشی و تصویری در ایران به مبحث فیلمنامه و ساخت قصه و داستان‌پردازی بازمی‌گردد. البته در حال حاضر و با گسترده‌تر شدن فعالیت پلتفرم‌ها، اوضاع کمی تغییر کرده و کتندگان کار از رمان‌های ایران بیش از پیش وام می‌گیرند. رد این اتفاق را باید در قالب جدی‌تر شدن شرایط تولید و کوچ به سمت صنعتی‌تر شدن بازار فرهنگ و هنر جست‌وجو کرد که افراد برای ادامه‌دار شدن کسب‌وکار خود باید از تمام امکانات موجود بهره ببرند و ادبیات داستانی ما یکی از همان امکانات است. پاسخ به این پرسش که چرا در آثار نمایشی ما کم‌تر خبری از اقتباس می‌شود، مثنوی هفتادمین کاغذ است، ولی اگر بخواهیم تنها به دو دلیل در این زمینه اشاره کنیم باید بگوییم که رابطه نه‌چندان خوب مدیرهای تصویری با ادبیات در ایران ابتدا به فراهم نبودن چهارچوب‌های صنعتی در زمینه تولید محتوای سرگرم‌کننده و سپس فقدان سنت «دیرینه» رمان‌نویسی در کشور بازمی‌گردد. باری، اکنون که در حال نگارش این متن هستم، سریال‌های «بامداد خمار» و «سووشون» آماده بخش از شبکه نمایش خانگی اند و حماسه «رستم و سهراب» در قالب یک اثر بلند سینمایی به مخاطب عرضه خواهد شد. اما با توجه به بازار نشر و تیراژ رمان‌ها و داستان‌های ایرانی –که از گذشته تاکنون منتشر شده‌اند– می‌توان به چند قصه جذاب و به‌غایت تصویری اشاره کرد که امکان تولید آن‌ها وجود داشته، ولی به دلایلی یا کسی سراغ‌شان نرفته یا اگر رفته، در لایرنت بوروکراسی گرفتار شده و از خیر ساختن فیلم یا سریال براساس فلان قصه معروف از بهمان نویسنده سرشناس یا کم‌تر نام‌آشنا به ناگزیر گذشته است. در این گزارش قصد داریم ضمن اشاره به رمان‌های معروف تصویری که تاکنون مایه‌آزاری در دیگر مدیوم‌ها نداشته‌اند، دلایل موجه ورود آن‌ها به دنیای تلویزیون و شبکه نمایش خانگی را برشمریم.

زمستان ۶۲

«اسماعیل فصیح» شاید برای نسل جوان‌تر خوانندگان –که این روزها بنا به رسم مالوف از آن‌ها به‌عنوان نسل زد نام می‌برند– شناخته‌شده نباشد، اما رمان‌ها و قصه‌های او در سال‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ حساسی میان کتاب‌خوان‌ها دست به دست می‌شد و بازار خوبی هم برای خودش پیدا کرده بود. اهل فن و کارشناسان حوزه‌ادبیات داستانی

اگر بخوانند یک رمان از آثار مهم و برجسته این نویسنده شیدای «ارنست همینگوی» را برای اقتباس در عالم سینما یا تلویزیون انتخاب کنند، آن اثر قطعاً چیزی جز «زمستان ۶۲» نخواهد بود. فصیح این اثر ۴۶۰ صفحه‌ای را در سال ۱۳۶۶ برای چاپ به دست ناشر سپرد. این کتاب پس از اولین نوبت چاپ در ۱۵ سری تجدید چاپ شد و مخاطبان زیادی هم پیدا کرد؛ دلیلش هم این بود که اسماعیل فصیح در قصه، مخاطب آن روزها را به یاد موقعیت‌های آشنا در زندگی‌اش می‌انداخت و مردم روزگار را به موازات اخبار جنگ به دل‌هاوز درگیر در خط مقدم دفاع مقدس می‌برد و به مطالعه گزارش‌ی دقیق از خطه جنوب دعوت می‌کرد. از طرف دیگر، این رمان حدیث نفس طیفه و طبعی بود که پس از انقلاب اسلامی می‌رفتند تا در حاشیه قرار بگیرند و برای روایت احوالات خود نمی‌توانستند جز اسماعیل فصیح را محرم بدانند. «بهمن فرمان‌آرا» به‌عنوان یکی از چهره‌های مهم موج نو سینمایی ایران بعدها اصلی‌ترین دلیل باگشت خود به کشور را ساخت نسخه سینمایی از «زمستان ۶۲» دانست. این قصه، تنها اثر از فصیح نبود که مورد توجه کارگردان «شازده احتجاب» قرار گرفت، بلکه «داستان جاوید» و «باده کهن» نیز دیگر آثار این نویسنده بودند که فرمان‌آرا می‌خواست در قالب فیلم یا سریال به سراغ آن‌ها برود، ولی مجوزهای لازم به او برای انجام و به ثمر رساندن این کار داده نشد تا پرونده ساخت آثار تلویزیونی و سینمایی در مورد نوشته‌های «اسماعیل فصیح» تا به امروز بایگانی شود.

شریک جرم

دامنه فعالیت «جعفر مدرس صادقی» به‌عنوان یکی از نویسندگان مطرح روزگار ماقط به نوشتن رمان، نول و داستان کوتاه خلاصه نمی‌شود و او در تصحیح و ویرایش آثار کهن نظیر «نوروزنامه و رباعیات خیام»، «مقالات مولانا»، «تاریخ بیهقی»، «سیاست‌نامه خواجه

چارسو

دیوید کراننبرگ از بازنشستگی منصرف شد

دیوید کراننبرگ، فیلمساز کانادایی اظهارات پیشین خود را مبنی بر احتمال بایسان فعالیت حرفه‌ای‌اش پس از فیلم «کفن‌ها» رد و اعلام کرد در حال کار روی یک پروژه سینمایی جدید است. او تأیید کرد هم‌اکنون مشغول نگارش فیلمنامه‌ای اقتباسی براساس رمان خود با عنوان «منصرف‌شده» (Consumed) است. این پروژه با همکاری رابرت لانتوس، تهیه‌کننده کانادایی که پیش‌تر در فیلم «جنایات آینده» با کراننبرگ همکاری داشته در مرحله توسعه قرار دارد. به‌گفته کراننبرگ قطعیت تولید این فیلم که اثری مهیج با مضامین آدم‌خواری، بیماری، ژنوپلیتیک و چاپ سه‌بعدی توصیف شده و داستان آن در چهار کشور جریان دارد، به نهایی شدن فیلمنامه و موفقیت در تأمین بودجه آن وابسته است. او در جشنواره فیلم سن‌سباستین ۲۰۲۲ اعتراف کرد تقریباً فیلمسازی را کنار گذاشته و در این مورد بسیار جدی است. او گفته بود: «فکر می‌کردم کارم تمام شده، اما امیوارم در آینده با ساختن فیلم‌های بیشتر، مرتکب جنایات بیشتری شوم.»

نظام‌الملک طوسی»، «مقالات شمس» و به نگارش درآوردن کتابی در مورد آداب نوشتن فارسی تحت عنوان «اندرآداب نوشتار» تبحری کم‌نظیر دارد. با همه این‌ها، «جعفر مدرس صادقی» را بیش از هر چیز با نگارش رمان «گاوخونی» می‌شناسند. «گاوخونی» از زاویه اول شخص روایت می‌شد و از بابت پرداختن سیال به سوژه، در دایره آثار موسوم به «جریان سیال ذهن» قرار می‌گرفت. این قصه باعث شد تا نام «جعفر مدرس صادقی» نه فقط در بین خوره‌های حوزه ادبیات داستانی ایران بیش از گذشته به چشم بیاید، بلکه دامنه شهرتش از مرزهای کشور فراتر رود و خوانندگان بین‌المللی پیدا کنند و به بازار نشر کشورهای عراق، آمریکا و انگلیس راه یابد. گاوخونی در سال ۱۳۶۰ نوشته شد و سال‌ها بعد، «بهروز افخمی» فیلمی با همین نام را تهیه کرد که به یکی از نقاط عطف کارنامه‌اش بدل گردید. اقتباس از «گاوخونی» کار سختی بود، ولی کارگردان «کوچک جنگلی» با وفاداری نسبت به گُنه و شاکله قصه، داستان را از نمای نقطه‌نظر روایت کرد تا فیلم در همسویی کامل با رمان به ترجمانی تصویری از آن بدل شود. در میان آثار چاپ شده از این نویسنده، «شریک جرم» یکی از همان داستان‌های تصویری به حساب می‌آید که برای ورود به عرصه سینما و تلویزیون هیچ چیز کم ندارد. نویسنده «شریک جرم» در فضایی شبه‌افکایی داستانش را پیش می‌برد و در امتزاج با ماجرای سینما رکس فضایی را خلق می‌کند که برای خواننده هم سهل است و هم ممتنع. ممتنع از این بابت که خواننده اتمسفر جاری در فیلم را به خاطر قرار گرفتن در فضای شهری تهران در حوالی اواخر دهه ۵۰ و اوایل ۶۰ به‌خوبی درک می‌کند و ممتنع به این علت که مدرن بودن ساختمان روایت آن را از قاطبه رمان‌های سراسر و ساده هم‌سنگ خود جدا می‌سازد و به‌قول اهل توب و تور زمین بازی‌اش را تغییر می‌دهد. مردی به اشتباه بازداشت می‌شود و در زندان با فردی روبه‌رو می‌گردد که می‌گوید من سینما را آتش زده‌ام؛ هیچ‌کس حرف آن‌ها را باور نمی‌کند. در همین اثنا است که این دو با هم رفیق می‌شوند و در شهر پرسه می‌زنند. داستان هرچه به سمت جلوپیش می‌رود جذاب‌تر می‌شود و حالتی تصویری و سینمایی پیدا می‌کند. تاکنون کسی به فکر اقتباس از این اثر نیفتاده، اما بد نیست که تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و صاحبان محتوی فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی برای رونق دادن به کسب‌وکارشان سری هم به کارنامه ادبی «جعفر مدرس صادقی» بزنند و از آن مایه بگیرند.

کافه خیابان گوته

«کافه خیابان گوته» را باید در دسته آثاری که می‌توانند در قالب مینی‌سریال برای بخشی از مخاطبان مناسب باشند قرار داد. وقایع این رمان در آلمان می‌گذرد، ولی رفت و برگشت هایش به گذشته و زمان حال روایت، شخصیت‌های داستان را قوام داده و به کوران حوادث انقلاب و دوران مبارزات آن‌ها پرتاب می‌کند. «کافه خیابان گوته» ادامه رمان «دیلماج» اثر دیگر «حمیدرضا شاه‌آبادی» است که در آن خواننده با سرگذشت «کیانوش مستوفی»، نوه میرزا یوسف، کاراکتر محوری رمان دیلماج آشنا می‌شود. سه دانشجو برای ادامه راه مبارزاتی روشمند خود تصمیم می‌گیرند تا در قالب یک گروه چپ کارشان را ادامه دهند، ولی در میانه مسیر، یکی از این سه نفر به دو نفر دیگر خیانت می‌کند و اسباب انحلال گروه را فراهم می‌آورد. کیانوش به زندان می‌افتد و پس از آزادی از بند برای گرفتن انتقام از شخصی خیانتکار به آلمان غربی می‌رود. کیانوش فرد موردنظرش را پیدا می‌کند، ولی متوجه می‌شود که او به آژانس‌ر دچار شده و خوردنندن طعم تلخ انتقام به وی دیگر هیچ مبنای عقلایی‌ای ندارد. تاکنون کسی به ساخت نسخه تلویزیونی از این رمان ترغیب نشده، اما رفت و برگشت‌های آن به‌همراه تماتیک «انتقام» باعث می‌شود تا این کتاب برای اقتباس مورد مناسبی به حساب بیاید. خط داستانی رمان «کافه خیابان گوته» بی‌شباهت به فیلم سینمایی «نبودن» اثر متاخیر «علی مصفا» نیست، اما سرک کشیدن به تاریخ مبارزات مردمی در دوران حکومت «قاجار» و «پهلوی» آن را به اثری تماماً تصویری بدل می‌کند و از نمونه‌های مشابه جدا می‌سازد.

رازهای سرزمین من

کم پیش می‌آید که یک ایرانی حد اقل یک بار اسم «رضا براهنی» را در زندگی‌اش شنیده باشد. «براهنی» شاعر بود، قصه می‌نوشت، دستی بر آتش ترجمه داشت و در زمینه نقد ادبی هم از قد بلند و افراشته‌ای برخوردار بود، اما اگر بخواهیم تنها یک قصه مهم از آثار او را برشماریم، بدون شک باید «رازهای

سرزمین من» را روی سر بگذاریم و براهنی را برای نوشتن این رمان مهیب و مهم در تاریخ رمان‌نویسی ایران مورد ستایش و احترام قرار دهیم. نقطه شروع «رازهای سرزمین من» پدید آمدن فرقه دموکرات آذربایجان و سپس کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که امتداد آن تا وقایع مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی هم پیش می‌رود. ماجراهای این قصه براساس سنت رئالیسم ادبی شکل گرفته، ولی گاهی به کرانه‌های رئالیسم جادویی هم نزدیک می‌شود. هر فصل از «رازهای سرزمین من» توسط یک شخصیت روایت می‌شود و در میان کاراکترهایی که فرمان روایت را در دست می‌گیرند، جوانی به نام «حسین» بار بیشتر جلو بردن قصه را به دوش می‌کشد، او مترجم یک مستشار نظامی آمریکایی است که در ادامه شاهدقتل این فرد توسط تعدادی از افسران ارتش شاهشاهی قرار می‌گیرد. این اتفاق به‌عنوان حادثه محرک و مبنایی داستان حوادث دیگر را از پی خود به وجود می‌آورد و اسکلت قصه را کامل می‌کند. بنیاد سینمایی فارابی سال‌ها پیش امتیاز رمان هزار و سیصد صفحه‌ای «رضا براهنی» را برای ساخت فیلم سینمایی با مجموعه تلویزیونی خریداری کرد و قرار هم شد که نویسنده اثر با شرط حضور در پروژه به‌عنوان «مشاور کارگردان و مشاور تولید» حضور داشته باشد؛ حتی «داریوش مهرجویی» هم پیش از سفر به فرانسه قصد داشت که بخش «کینه ازلی» این کتاب را جلوی دوربین ببرد، اما این اتفاق هیچ‌گاه به ثمر نرسید و سریال یا فیلم سینمایی‌ای هم ساخته نشد.

فیل در تاریکی

اسم «هاشمی‌نژاد» پیش از آنکه در فروردین سال ۱۳۹۵ چشم از این دنیا ببندد و به دیار باقی سفر کند، در میان خوانندگان امروزی کتاب و در بین نسل دهه هفتاد و هشتاد چندان نام پر‌وواکی نبود، چون تمایلی به عرضه خود در بازار نحیف ادبیات داستانی ایران نداشت. «هاشمی‌نژاد» با درگذشتش و سپس انتشار دوباره آثارش بود که به یک‌باره حاشیه

به متن آمد و غبار از چهره‌اش شسته شد. این نویسنده نیز همچون «جعفر مدرس صادقی» و «رضا براهنی» فرد جامع‌الاطرافی بود که در نوشتن فیلمنامه، رمان، ترجمه، نقد ادبی و حوزه عرفان و حتی شعر تبحری خاص داشت. اما داستان ما با «قاسم هاشمی‌نژاد» با رمان جنایی-پلیسی «فیل در تاریکی» شروع می‌شود. اکنون که سینما و پلتفرم‌ها تمایل عجیبی به دهه ۶۰ و بیش‌تر از آن به دهه ۵۰ پیدا کرده‌اند، تولید دوباره «فیل در تاریکی» در قالب مینی سریال

یا فیلم سینمایی نمود بیشتری پیدا می‌کند. به این خاطر از عبارت «تولید دوباره» استفاده کردم که نسخه سینمایی «فیل در تاریکی» به کارگردانی «نعمت حقیقی» عملاً نیمه‌تمام ماند و وی به‌هیچ‌عنوان ادامه این کار توسط «عباس رافعی» را نپسندید. در خلاصه قصه این کتاب آمده است که «جلال امین» شخصیت اصلی داستان، گاراژداری قدیمی است که برادرش حسین در آلمان تحصیل می‌کند. حسین در راه بازگشت به ایران برای جلال یک مرسدس بنز آخرین مدل می‌آورد. او نمی‌داند که یک گروه تبهکار در ماشین مربوطه هروئین جاساز کرده‌اند و خانواده «امین» را در معرض خطر جدی قرار داده‌اند. همین قصه‌به نقطه اتکا درام تبدیل می‌شود و خواننده را به درون اتفاقات ریز و درشت قصه سوق می‌دهد.

در سیدخندان کسی را نمی‌کشند

اگر خوره‌وشفته‌رمان‌های ادبیات جرم و مخاطب جدی پادکست و داستان‌های صوتی باشید، حتماً نام «مهام میقانی» به گوش‌تان خورده است. اغلب آثار این نویسنده رنگ و بویی جنایی دارد و «در سیدخندان کسی را نمی‌کشند» هم به‌عنوان داستانی شاخص در میان آثار این نویسنده دور از این لحن و فضا نیست. این رمان روایتی از ریزش ساختمان پلاسکو در سی‌ام دی ماه ۱۳۹۵ است که نویسنده در پیش‌زمینه اتفاقات آن روز، خواننده را به محله «سیدخندان» تهران می‌برد و داستان کارآگاهی نه‌چندان ورزیده ولی نسبتاً باهوش به اسم «نقیبی» را روایت می‌کند. او به‌همراه نامزدش در حال کالبدشکافی دست قطع شده زنی در یکی از گاوصندوق‌های بدست‌آمده از ویرانه‌های ساختمان پلاسکو است که درگیر ماجراهای عجیب و غریب و ترسناکی می‌شود. «در سیدخندان کسی را نمی‌کشند» رمانی جذاب، سهل‌خوان و درگیرکننده است که خواننده در حین مطالعه آن به‌هیچ‌وجه ارتباط خود را با متن موردنظر از دست نمی‌دهد و لاج‌رحه کلمات را سر می‌کشد و حجم ۲۹۶ صفحه‌ای این کتاب اصلاً به چشم نمی‌آید. اینکه تاکنون تهیه‌کننده یا سرمایه‌گذاری نسبت به این ماجرا و توجهی از خود نشان نداده، از تبلی نشأت می‌گیرد، ولی توصیه نگارنده این فرسته به پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی این است که این کتاب می‌تواند دستمایه ساخت یک سریال جذاب و گرم قرار بگیرد و بهتر است هرچه زودتر برای ساخت نسخه تلویزیونی از آن با نویسنده و ناشر مربوطه دست به کار شوند.

ردیف	نام کتاب	نام نویسنده
۱	زمستان ۶۲	اسماعیل فصیح
۲	شریک جرم	جعفر مدرس صادقی
۳	کافه خیابان گوته	حمیدرضا شاه‌آبادی
۴	را‌زهای سرزمین من	رضا براهنی
۵	فیل در تاریکی	قاسم هاشمی‌نژاد
۶	در سیدخندان کسی را نمی‌کشند	مهام میقانی
۷	آبنبات هل‌دار	مهرداد صدقی
۸	خون خورده	مهدی یزدانی‌خرم
۹	مستوری	صادق کریمیار
۱۰	مردگان باغ سبز	محمدرضا بابرامی
۱۱	هفت جن	امید کوره‌چی
۱۲	جمجمه جوان	لاله زارع
۱۳	اتاق صادق	محمد تاج
۱۴	سهم من	پرنوش صنیعی
۱۵	آب‌انبار	هوشنگ مرادی‌کرمانی
۱۶	حفره	محمد رضایی‌راد
۱۷	داماهی	مهدی افروزش
۱۸	میراث	احمد شاملو
۱۹	جسد‌های شیشه‌ای	مسعود کیمیایی

--	--	--	--	--	--

صابر ابرو و هانیه توسلی در پلتفرم رایگان

سریال پلیسی «کنکل» به کارگردانی رامتین لوفای به‌زودی در پلتفرم استارنت منتشر می‌شود. صابر ابر، هانیه توسلی، مهدی پاکدل، پدram شریفی، ستاره پسبایی، حسین امیدی، محمد صدیقی‌مهر، مرجان اتفاقیان، محمدرضا صولتی، فرید قبادی و فرزین محدث، بهرام ابراهیمی، مانده طهماسبی بازیگران سریال «کنکل» هستند. این پلتفرم فعالیت خود را به پشتوانه مجید و حمید آقاقلیان تهیه‌کنندگان سریال‌های «پاورچین» و «نقطه‌چین»، «مرد هزارچهره»، «شب‌های برره»، «قهوه تلخ» و... و با حمایت مالی هلدینگ طبیعت ماکان آغاز کرده و قرار است فیلم‌ها و سریال‌های روز را به‌صورت رایگان در اختیار مخاطب قرار دهد. در خلاصه داستان این سریال آمده است: «دزدی مواد اولیه گران‌قیمت در کارخانه تکرار می‌شود، اما برای حفظ آبرو به بیرون کارخانه درز نمی‌کند، تا اینکه بالاخره پای پلیس به ماجرا باز می‌شود. شایعات در اطراف یکی از کارگران شدت می‌گیرد و بازداشت آن کارگر آغازگر ماجراهای دیگری است؛ اتفاقی که فراتر از انتظار ماست.»

